



روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات

در سیره رضوی

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲

حسن خرقانی^۱، البرز محقق گرفمی^۲

چکیده

پاسخگویی به شبهات نیازمند دانستن و به‌کار بردن مهارت‌هایی است که بخشی از آن‌ها به توانمندی‌های علمی نامبردار است. این نوشتار که به‌گونه تحلیلی توصیفی و با بهره از منابع اسنادی سامان یافته، در پی یافتن روش‌های علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی است. با دقت در سیره امام هشتم شیعیان می‌توان دریافت که این توانمندی‌ها به شکلی روشمند به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم شده است. بنا بر یافته‌های این نوشتار، برخی از روش‌هایی که امام رضا (علیه السلام) در پاسخگویی به شبهات از آن‌ها بهره می‌گرفتند عبارت است از: استناد به قرآن مجید و سنت نبوی، توجه به خاستگاه‌ها و علت‌های ایجاد شبهه، بهره‌مندی از برهان‌های معقولیت، حُلف و سب و تقسیم، توسعه روش‌شناختی، ابطال لازمه‌های نادرست شبهه، استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب، محسوس‌سازی معقولات، تبیین صحیح مفاهیم و انگاره‌های شبهه و بهره‌گیری از تاریخ صحیح.

کلیدواژه‌ها: شبهه، پاسخگویی، روش‌شناسی، دلیل علمی، سیره رضوی.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی: h.kharaghani@gmail.com
۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول): mohaghegh.gr@gmail.com

۱. مقدمه

«شُبّه» بر وزن فُعله برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، حقی مانند و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۴۰۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۲۴۳؛ صالح، ۱۳۸۶: ۸۱). بر این اساس، هر انگاره استدلال‌گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کژتابی در شناخت درست آن‌ها می‌شود، شُبّه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست؛ بلکه شبهه استدلال است که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست، درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.

پاسخگویی به شبهات نیازمند کاربست بایسته‌ها و قواعد عمومی، گفتاری، شخصی و علمی است (زمزمی، ۱۴۱۴ ق: ۱۱۷). از آنجا که پاسخگویی به شبهات بر استنباط، استوار است، بار اصلی آن را عقل به دوش می‌کشد؛ اما منابع این استنباط، با توجه به مبانی مورد قبول مخاطب، عقلی، نقلی، حسّی، فطری و حتی شهودی می‌تواند باشد؛ چراکه همه این منابع در دستیابی به شناخت و آگاهی و زدودن باور نادرست نقش‌آفرین هستند. سیره معصومین در مقابله با شبهات بر سه بن‌مایه استوار است: پاسداری از آموزه‌های دینی و مذهبی و تلاش برای دفع شبهات احتمالی از منظومه معرفتی، شناسایی شبهات و ریشه‌های آن و نیز کوشش برای زدودن شبهات.

در عصر خلافت عباسیان، زمینه انتقال و انتشار منظومه معرفتی یونانیان، هندیان، زردتشتیان، اهل کتاب و نیز رواج اندیشه اعتزال در پهنه حکومت اسلامی پررنگ گردید (دمیری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱: ۲۷۲؛ علوی، ۱۳۷۹: ۱۸-۳۰). همین امر، زمینه گفت‌وگو میان دانشوران ادیان و مذاهب را فراهم آورد. در عصر حیات امام رضا (علیه السلام)، این گفت‌وگوها با بیان شبهاتی از سوی گروه‌ها و مسلمانان فرقه‌های گوناگون همراه بود. امام رضا (علیه السلام) با بهره‌گیری از تمام ویژگی‌های یک پاسخگوی توانمند، مانند شناخت صحیح آموزه‌های

دین و مذهب، چیرگی بر محتوای شبهه، آشنایی با روش‌های رفتاری و گفتاری پاسخگویی و نیز مهارت مناظره و گفت‌وگو به پاسخگویی شبهات اهتمام ویژه داشتند. پاسخگویی به شبهات توسط امام رضا (علیه السلام) در قالب مناظره و شیوه‌های آموزشی دیگر، همراه با اصول و اسلوبی روشمند و در یک فرایند و ساز و کار منظم صورت گرفته است. به دست آوردن اصول و روش حاکم بر پاسخ‌های امام رضا (علیه السلام) نیازمند مطالعه، تحلیل و توصیف سیره آن حضرت در احادیث موجود است. این نوشتار در زمره تاریخ روش‌شناسی و در حوزه معرفت‌های نوین علم کلام قرار گرفته که بر شناخت منظومه معرفتی یک فرد (امام هشتم شیعیان) در مقام نماینده یک جریان (مذهب شیعه) استوار است.

۲. پیشینه پژوهش

نوشته‌های فراوانی درباره بایسته‌های اخلاقی و عمومی مناظره و جدل سامان یافته است. برخی نوشته‌ها مانند «ادب الحوار فی الاسلام» محمد سید طنطاوی (۱۹۹۷م) و «الحوار فی القرآن الکریم» محمد حسین فضل الله (۱۴۱۷ق)، بخش‌هایی را به انواع گفت‌وگوهای مبتنی بر پرسشگری در قرآن و سنت نبوی اختصاص داده‌اند که جنبه تفسیری آن‌ها پررنگ است. کتاب‌های دیگری مانند «الحوار، آداب و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنة» نگاشته یحیی زمزمی (۱۴۱۴ق)، «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» به کوشش عمر عبدالله کامل (بی تا) و «الحوار، آداب و اخلاق و ثقافته الأمه» به قلم محمد فنخور عبدلی (۱۴۳۵ق)، فصلی مستقل درباره آداب علمی پاسخگویی به شبهات گشوده‌اند؛ اما تنها به مواردی چون دارا بودن دانش کافی، شروع از نقاط مشترک، استقامت در اندیشه و بیان آشکار پاسخ، پرداخته‌اند (زمزمی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۷-۴۱۱). نیک روشن است این موارد در رده روش‌شناسی دانش محور پاسخگویی به شبهات نیست، بلکه تنها از آداب این امر شمرده می‌شود. مقالات «روش مناظره و احتجاجات امامان شیعه» به قلم استاد شهابی (۱۳۴۷) و «روش مناظره علمی در سیره امامان معصوم، مطالعه موردی مناظرات امام رضا (علیه السلام)» به کوشش هاشمی اردکانی و میر شاه جعفری (۱۳۸۷) نیز تنها

در گزارش‌های مربوط به مناظرات امام هشتم قابل ارزیابی است.

با این همه، بایسته‌ها و اسلوب علمی پاسخگویی به شبهات کمتر مورد توجه دانشوران قرار گرفته است. همسان‌انگاری میان مناظره و شبهه‌پژوهی یکی از دلایل احتمالی نبود نوشتارهای مستقل در این زمینه است. کتاب‌هایی چون «روش‌شناسی علم کلام، اصول استنباط و دفاع در عقاید» به کوشش رضا برنجکار (۱۳۹۸) و «روش‌شناسی پاسخگویی به پرسش‌های اعتقادی» به قلم محسن عباسی (۱۳۹۷)، بخش‌های محدودی از پژوهش خود را به بیان برخی بایسته‌های علمی پاسخ به شبهات اختصاص داده‌اند.

۳. اهمیت پاسخگویی به شبهات از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)

در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان در مقابله با شبهات، به روش‌شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهه، دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت کوشش در رفع این شبهات توجه شده است. امام رضا (علیه السلام)، ارجاع سوالات و شبهات به اهل بیت (علیهم السلام) را وظیفه مردم می‌داند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۲۶۱) و نیز در نامه‌ای به عبد الله بن جنذب، یکی از وظایف امامان اهل بیت را پاسخ به شبهات مردم و زدودن سردرگمی‌های اعتقادی و عملی ایشان ذکر می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳: ۲۹۷). ایشان بهترین توشه قیامت برای شیعیان را، راهنمایی فرد گرفتار به پندارهای گمراه‌کننده و نجات فکر و عقیده او از چنگال دشمنان عقیدتی می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۴۰). مهم‌تر بودن آسیب شبهه‌گران مدعی پیروی اهل بیت از خطر فتنه دجال (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶: ۱۷۹) نمونه‌ای از سفارش‌های امام هشتم (علیه السلام) در شناخت کانون‌های ایجاد شبهات ارزیابی می‌شود. امام در پاسخگویی به شبهات و پرسش‌ها به شکل شفاهی و مکتوب توجه ویژه‌ای داشتند. به گونه‌ای که بنا بر گزارشی، ۲۰۰ نامه از حضرت در پاسخ به انواع سوالات و شبهات درباره توحید، نبوت، امامت، فقه، دعا، فرقه‌های زمانه و امور سیاسی به جا مانده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۱۰). از آن میان، ۷۳ روایت برای اثبات امامت امام علی (علیه السلام) به چشم می‌خورد. استقبال امام از مناظره و گفت‌وگو در مجالس علمی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق،

ج ۱۰: ۳۰۰) یکی دیگر از راه‌های زدودن شبهات توسط امام رضا (علیه السلام) شمرده می‌شود.

۴. روش‌های علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی

برهان علمی تنها در صورتی دل‌ها و جان‌ها را می‌رباید که به نیکوترین روش بازگو شود (نحل، ۱۲۵). امام رضا (علیه السلام) برای پاسخگویی به شبهات از قالب‌های گفت‌وگو، سخنرانی، مناظره، نامه‌نگاری و بیان آموزه‌های اسلامی بهره می‌بردند و نیز با استفاده از کنش‌ها و واکنش‌های ویژه، گره‌های فکری را می‌گشودند. روش‌های پاسخگویی حضرت، پیوندی از رفتار و گفتار بود. در یک دسته‌بندی کلی، روش‌های علمی پاسخگویی به شبهات، به دوره نقلی و عقلی تقسیم می‌شود؛ اما از آنجا که پاره‌ای از این روش‌ها اشتراکاتی دارد، در این نوشتار به تقسیم آن پرداختیم.

براهین نقلی، مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که در مقابل مخاطبان معتقد به کتاب‌های آسمانی و سنت پیامبران به کار می‌رود. این براهین در دو دسته درون دینی و برون دینی، مورد قبول شبهه‌گر و پاسخگو بوده و استوارسازی سخن بر آن‌ها امتیازی برای هر دو سوی گفت‌وگو شمرده می‌شود. مهم‌ترین برهان درون دینی نقلی، بر بهره‌گیری از قرآن و حدیث استوار است. استفاده از گزاره‌های کتب مقدس سایر ادیان نیز در زمره براهین برون دینی نقلی جای می‌گیرد. گزارش‌های خطاناپذیر تاریخی نیز در رتبه بعدی قرار می‌گیرد.

براهین عقلی قابل استفاده در پاسخگویی نیز مجموعه‌ای از شناخت‌ها و ادراک‌های زیربنایی است که به مدد قدرت نفس ناطقه آدمی شکل می‌گیرد. بدیهی بودن عقل پیراسته از اوهام تا بدان پایه است که دستاورد حاصل از این سنج، غیرقابل خدشه خواهد بود. روش عقلی به عنوان یکی از روش‌های کسب شناخت، در تمامی شاخه‌های علوم اسلامی حتی علوم نقلی، یا منبعی مستقل برای دستیابی به معرفت است یا ابزاری برای فهم، تبیین و اعتبارسنجی. حجیت عقل نیز ذاتی شمرده شده است؛ همچنانکه

اگر نیاز به اثبات داشته باشد یا باید از عقل برای اثبات خود کمک بگیرد که منتج به توقف شیء بر خودش خواهد شد، یا باید از نقل بهره بگیرد که مشکل دور را در پی دارد؛ چراکه حجیت نقل و اصول عقاید از راه عقل اثبات می‌شود (عارفی، ۱۳۹۸: ۱۲۷). آیات قرآن نیز حوزه‌های کارکرد عقل را از اثبات براهین وجود خدا و معاد گرفته تا داوری عقل بر کنش‌های نیک و نقش آن در تشویق به ارزش‌های اخلاقی و نیز تبیین علت برخی از آموزه‌ها گسترانده است. اهمیت کارکرد عقل در آموزه‌های نقلی تا بدانجاست که صحت و اعتبار آن‌ها از طریق سنجه‌های عقلی و حکم عقل به پذیرش منقولات معتبر، محقق خواهد شد. بر اساس فرمایش امام رضا (علیه السلام) به ابن سگیت، عقل تنها معیار تشخیص حق از باطل است (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۶) و اگر این سنجه حجت‌آفرین از اعتبار ساقط شود، دیگر مبنایی استوار و مورد قبول همه وجود نخواهد داشت. نیک روشن است روش عقلی به کار گرفته شده از سوی امام هشتم (علیه السلام) همان روش «عقل‌گرایی اعتدالی» است که استدلال و ژرف‌اندیشی در آموزه‌های دینی را سرلوحه خود قرار داده؛ اما عقل را تنها راه شناخت نمی‌داند (عارفی، ۱۳۹۸: ۴۳۹).

۴-۱. توجه به خاستگاه، علت‌ها و انگیزه‌های ایجاد شبهات

ریشه‌یابی ایجاد شبهات، شخصیت‌شناسی شبهه‌گر در شبهاتی که مصدر معلومی دارند و جریان‌شناسی شبهه‌گری، نقش فراوانی در فهم دقیق شبهه و آماده‌سازی پاسخ برای آن و حتی در اقناع دیگر مخاطبان برای پرهیز از این جریان‌ها در موضوعات همسان دارد.

از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)، برخی از علت‌ها و انگیزه‌های ایجاد شبهات به این قرار است: تأویل نادرست آیات و آموزه‌های اسلامی، پرسشگری بیهوده، مراجعه نکردن به امامان اهل بیت و دانشوران آگاه، دانش ناکافی، لجاجت در اثبات دیدگاه‌های شخصی، ناخشنودی از نادرست بودن باور خود، نشناختن حقیقت و غایات موضوع، پای‌بند نبودن به آموزه‌های امامان پیشین، دنیاطلبی و جست‌وجوی کافی نداشتن (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۲۹۷).

امام علیه السلام دلیل شبهه‌گری برخی وکیلان امام کاظم علیه السلام مانند ابن السراج، ابن ابی حمزه و ابن المکّاری (کشی، ۱۳۶۳ ق، ج ۲: ۷۵۴) در مسئله امامت حضرت را، انتساب به گروه‌های واقفی و عدم تسلیم وجوهات و اموال سازمان وکالت به امام بعدی می‌داند (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۳۴۸). امام بدین طریق خاستگاه شبهات ایشان را بر افراد حقیقت‌جویی مانند علی بن محمد بزنطی آشکار می‌سازد تا با شناخت انگیزه‌های شبهه‌گری، غیرعلمی بودن سخن آن‌ها را ثابت کند. همچنین یونس بن بهمن، مدعی وجود شبهه‌ای در میان شیعیان درباره وجود جوهر الهی در آدمی بود که امام علیه السلام این شبهه را منتسب به شیعه نمی‌دانست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹۲)؛ چراکه یونس بن بهمن یکی از غالیان حدیث ساز کوفه بود (حلی، ۱۳۴۲: ۵۲۷). علاوه بر این، در پاسخ یونس بن عبد الرحمن در همین شبهه، خاستگاه ایجاد آن را زندیقان دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹۲) و با این گفتار، شیعیان بزرگی چون یونس را از واگویی این شبهات بازداشتند.

آشکار ساختن وابستگی‌های انحرافی، یکی از راه‌هایی بود که امام علیه السلام از آن برای زدودن شبهات برآمده از اندیشه غالیان بهره می‌برد. برای نمونه، ایشان در نامه‌ای به یکی از غالیان به نام محمد بن فضیل (نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۶۷) با تبیین و تفسیر ویژگی‌های نفاق و منافقین در قرآن، سایر مردم را از انحرافی بودن انگاره غلو و ناپسند بودن وابستگی به این جریان آگاه نمودند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۷۲). همچنین در اندرزی به یحیی بن مبارک، مجادله‌گران درباره ادامه امامت پس از امام کاظم علیه السلام را غیرمسلمانانی نامید که باید از آن‌ها دوری کرد (کشی، ۱۳۶۳ ق، ج ۲: ۷۶۲). امام هشتم شیعیان، در پاسخ به نامه احمد بن محمد بزنطی نیز اجتناب افراد از تلاش برای فهم استوار و یافتن پاسخ‌های مناسب را یکی از علت‌های ایجاد شبهات می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۵۲).

۴-۲. رد حصرگرایی شناختی

محدود کردن شناخت به موارد استدلال، رویکرد، روش و منبعی خاص و نیز غفلت کردن از سایر روش‌های شناخت را حصرگرایی روش‌شناختی می‌نامیم. نتیجه این روش، ایجاد

شبّهات شناختی خواهد بود. نمونه‌ای از نفی انحصارگرایی در روش‌های شناخت را در گزارش محمد بن عبدالله خراسانی می‌توان دید. در این روایت، یکی از دنیاگرایان در پی شناخت کمیّت و کیفیت پروردگار از راه حواسّ ظاهری بود که امام رضا (علیه السلام) با نفی توان حواسّ ظاهری در شناخت پروردگار، او را از این روش بازداشت و شبّه او را برآمده از محدود کردن روش‌های معرفت به روش‌های مادّی دانست (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۷۶). ناتوانی عقل در گزینش امام معصوم برای راهبری دینی و اجتماعی مردمان نیز، یکی از اشارت‌های امام هشتم (علیه السلام) برای اثبات گزینش امام از سوی پروردگار قلمداد می‌شود که بر گسترش منابع شناختی به مرزهای وحی الهی استوار است (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۴۹۰).

بنا بر گزارش‌های حدیثی، حسین بن قیاما که یکی از سران واقفیه بود (حلی، ۱۳۴۲: ۴۴۵) برای شبّه‌گری در امامت حضرت رضا (علیه السلام)، فرزند نداشتن او را بهانه قرار می‌داد. امام (علیه السلام) در پاسخ، خبر از عنایت‌شدن فرزندی از سوی پروردگار در آینده نزدیک می‌داد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۲۰). این پاسخ یکی از نمونه‌های سستی بنیان شبّه است که بر حصر شبّه در ظرف زمان دلالت دارد؛ امّا امام (علیه السلام) با توجه دادن به امتداد داشتن زمان و حتمی بودن فرزندآوری در آینده نزدیک، این انحصارگرایی را مردود برشمردند.

۳-۴. بهره‌گیری از برهان

«برهان» مهارتی در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۴۸). امام رضا (علیه السلام) در مقام ابطال شبّهات و زدودن انگاره‌های نادرست از گونه‌های مختلف برهان بهره می‌گرفتند. برخی از مهم‌ترین این براهین عبارت است از: برهان معقولیت، خلف و سبب و تقسیم.

۱-۳-۴. برهان معقولیت

این برهان برای اثبات وجود پروردگار و معاد موجودات، بر گزاره‌ای از علوم احتمالات استوار است. بر این اساس، اعتقاد به وجود خدا و لوازم آن از باور نداشتن به آن، عقلانی‌تر

است (محمدرضایی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛ چراکه باور اول، سعادت جاودانه را در پی دارد و خدا ناباوری، زیان‌های فراوان اخروی در پی خواهد داشت. از دیگر سو، خدا باوری هیچ زیانی در پی ندارد. پیشینه این برهان را که با عناوینی چون «عقل محض»، «ساختار جالب»، «اصل احتیاط»، «وجوب دفع ضرر محتمل» و «شرطیه پاسکال» نامبردار است (میناگر، ۱۳۹۸: ۷۰)، در روایات اهل بیت نیز می‌توان جست (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۸: ۸۷). امام رضا علیه السلام با تکیه بر همین روش در مناظره با شخصی زندق، باور به مکتب توحید را ارزشمند و معقول و انکار معاد را مایه خسارت منکران دانستند (کلینی، ۱۴۲۵: ج ۱: ۱۹۴).

توجه دادن امام به دو نشانه برتری علم معصوم و اجابت دعای او برای زدودن شبهه نشانه‌های امام (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۵: ۱۳۴)، گونه‌ای از دعوت به بهره‌گیری از عقل در شناخت امور است؛ چراکه یقیناً امام برگزیده از سوی خدا باید دارای نشانه‌هایی باشد. معقول‌ترین این نشانه‌ها، برتری علمی وی و کرامات ویژه است. یکی از این کرامات خاص، برآورده شدن دعاهای معصوم است. امام رضا علیه السلام عقل را مصدري می‌داند که برای یافتن امام معصوم در پی یافتن این دو ویژگی است.

۴-۳-۲. برهان خُلف

اثبات یک حکم به وسیله استخراج تناقضی از نقیض آن حکم و احکامی را که قبلاً ثابت شده است «برهان خُلف» می‌نامیم. قرآن کریم برای اثبات الهی بودن خود با استناد به آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲) و نیز یگانگی پروردگار در آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء، ۲۲) از این روش بهره جسته است. امام رضا علیه السلام در پاسخ شبهه چگونگی همگونی صفات پروردگار با ذات او، لازمه باور به تفاوت میان صفات و ذات را حادث بودن ذات الهی دانسته و براساس بطلان این نتیجه، نادرستی انگاره تفاوت را به اثبات رساندند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴: ۲۲۱).

۴-۳-۳. برهان سبر و تقسیم

«سبر» در لغت به معنای بررسی و آزمایش و «تقسیم» به معنای بخش کردن چیزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷: ۲۵۱؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۵: ۲۰۱۰). منظور از این برهان، بررسی همه احتمالات مختلف در پاسخ به یک موضوع و رد کردن احتمالات نادرست با هدف باقی ماندن تنها احتمال صحیح است. در قرآن کریم نیز از این روش بهره جسته شده است (ن.ک: انعام، ۱۴۳-۱۴۴). بررسی تمامی جوانب یک گزاره، راه گریز را بر شبهه‌گر خواهد بست. استفاده از گونه‌های مختلف دسته‌بندی بنا بر اعتبارات گوناگون، برای استوارسازی این برهان نیز بسیار مفید خواهد بود.

حضرت در نامه به هشام مشرقی، در پاسخ سؤالات او درباره توحید، عقاید مردم را به سه دسته تقسیم نموده و با ابطال دو نظریه، تنها باور استوار و حقیقی را اثبات وجود پروردگار بدون تشبیه او به اشیا معرفی می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶۵). امام هشتم در پاسخ نامه یزید بن معاویه شامی درباره حدیث «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۳۸۹) باور به جبر را به معنای باور به عذاب بندگان با وجود انجام امور توسط خدا دانستند و نیز اعتقاد به تفویض را واگذار کردن امور مخلوقات به امامان برشمردند و با تبیین نادرستی هر دو دیدگاه، تنها راه باقی مانده را راهی میان این دو انگاره معرفی کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۲۴).

۴-۴. ابطال قیاس و تشبیه ناروا

قیاس را ملحق کردن حکم فرع به حکم اصل، به سبب اشتراک آن‌ها در ریشه دانسته‌اند (الدمینی، ۱۹۸۴: ۴۲۷). اصولیان شیعه نیز قیاس را «اثبات الحکم فی محل العلة لثبوتها فی محل آخر لتلك العلة» دانسته و در عدم حجیت آن فی الجمله اختلافی ندارند (سبحانی، ۱۴۲۳ ق: ۸۴)؛ گرچه حجیت قیاس منصوص العله و قیاس اولویت محل اختلاف اصولیان امامی است (همان). امام رضا (علیه السلام) مردود بودن قیاس را به حدیث قدسی «مَا أَمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي وَمَا عَرَفَنِي مَنْ شَبَّهَنِي بِخَلْقِي وَمَا عَلَى دِينِي مَنْ

اَسْتَعْمَلَ الْقِيَّاسَ فِي دِينِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۱۶) مستند ساختند. نیز در دعای خویش مسئله تجسم خداوند را برآمده از قیاس نادرست ارزیابی می‌فرمایند (همان: ۱۱۷). امام هشتم شیعیان در پاسخ شبهه‌گری مأمون درباره زید بن علی (علیه السلام)، رکن اساسی شبهه‌وی یعنی تشبیه زید بن موسی (علیه السلام) با زید بن علی (علیه السلام) را به جهت تفاوت انگیزه‌ها، عدم ادعای امامت توسط زید بن علی (علیه السلام) و ناهمسانی رفتار آن دو باطل دانست (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۴۹). همچنین در پاسخ شبهه شباهت علی (علیه السلام) با پروردگار در بسیاری ویژگی‌ها، این مقایسه را با توجه به زندگی روزمره امام اول، عبادات و کرنش او در برابر پروردگار یکتا و نیز تفاوت نداشتن او با سایر پدیده‌ها در مخلوق بودن، ناروا قلمداد کرده و لازمه این تشبیه را باور به الوهیت همه موجودات دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۲۷۵).

۴-۵. تبیین و تطبیق نمونه

شناساندن نمونه‌های بیرونی و تطبیق آن با مؤلفه‌های شناختی یک گزاره، در زدودن شبهات برآمده از آن گزاره بسیار سودبخش است. برای نمونه، حمزه زینت درباره چگونگی تطبیق انحراف برخی شیعیان از مسیر امامت با وجود ثبت نام آن‌ها به عنوان شیعه در کتاب جامعه دچار شبهه شده بود. امام رضا (علیه السلام) با بیان ویژگی‌های واقفیه، آن‌ها را نمونه‌ای از افرادی دانست که نام‌شان به عنوان شیعه در کتاب جامعه ثبت شده ولی بعدها به دلیل انحراف فکری از زمره شیعیان خارج گشتند (کشی، ۱۳۶۳ق، ج ۲: ۷۶۳). همچنین بخشی از شبهه‌گری مأمون درباره زید بن علی (علیه السلام) که بر تطبیق او با روایات دال بر ویژگی‌های پیشوایان گمراه‌کننده، استوار بود با روشنگری امام رضا (علیه السلام) درباره نادرستی این تطابق، آشکار گردید. امام، در ادامه، زید را نمونه‌ای از افراد مذکور در آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ» (حج، ۷۸) دانستند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۴۹).

۴-۶. تشبیه، تمثیل و محسوس سازی معقولات

بهره گیری از تشبیه و تمثیل برای نزدیک ساختن شناخت گزاره های پیچیده به جهان پدیدار، از روش های پاسخگویی به شبهات شمرده می شود. تصویرپردازی و محسوس کردن مطالب عقلی و نظری برای مخاطبانی که توان درک گزاره های ژرف را ندارند، مفید خواهد بود. تشبیه رستاخیز انسان به زایش هستی در بهار در پاسخ شبهه منکران معاد (فاطر، ۱۹) نمونه ای از کاربست این روش در قرآن است.

امام علیه السلام، شبهه عمران صابی درباره دگرگونی در توانایی الهی پس از آفرینش را با تصویرسازی ذهنی و تشبیه به آتشی که با وجود گرمابخشی، تغییر نمی یابد؛ پاسخ گفتند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۷۱). توجه به وجود آفریننده ای بنیان گذار از راه ژرف نگری در ساختمان بدن انسان و جهان پیرامونی در پاسخ به شبهه نبود آفریدگار (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۹۵) نمونه ای از محسوس سازی معقولات در کلام رضوی شمرده می شود. امام رضا علیه السلام شبهه مسیب درباره مخفی ماندن هویتش از نظر سندی بن شاهک در جریان غسل امام کاظم علیه السلام را با تشبیه خود به حضرت یوسف علیه السلام در جریان ملاقات با برادرانش در مصر پاسخ گفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۰۴)؛ چراکه برادران او را نمی شناختند ولی او آن ها را می شناخت. همچنین در مناظره با بزرگ یهودیان، شباهت معجزات پیامبرانی چون عیسی علیه السلام، یسع علیه السلام و حزقیل علیه السلام به معجزات حضرت موسی علیه السلام را دلیلی بر حقانیت نبوت آن ها دانست و از این راه به شبهه انحصار حقانیت در آیین موسوی پاسخ گفت (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۸).

۴-۷. آگاهی دادن به بایسته ها و لوازم شبهه

یکی دیگر از روش های پاسخگویی به شبهات نشان دادن دوگانگی و ناهم آوایی در مقدمات یا نتایج گزاره حاوی شبهه است. اثبات این ناهمخوانی، سبب درهم شکستن بنیان های شبهه در هم آوردی با عقل می گردد. آشکار کردن پیامدها و لازمه های یک گزاره، در زدودن انگاره های نادرست در آن موضوع نقش آفرین خواهد بود. برای نمونه،

امام رضا علیه السلام در مناظره با ابومرّه لازمه باور به رؤیت پروردگار را محدود کردن او به زمان و مکان دانست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹۹) و از راه ابطال لازمه این انگاره، ملزوم آن را نیز باطل کرد.

در گزارش شیخ صدوق از مناظره امام رضا علیه السلام با جاثلیق آمده که وی حضرت عیسی علیه السلام را به دلیل داشتن معجزاتی مانند شفای بیماران و زنده کردن مردگان، شایسته مقام الوهیت می‌دانست. امام هشتم برای اثبات بطلان این انگاره، لازمه این باور را اعتقاد به الوهیت پیامبرانی چون ابراهیم علیه السلام، یسع علیه السلام و حزقیل علیه السلام دانست، چراکه آن‌ها نیز معجزاتی مشابه حضرت عیسی علیه السلام داشتند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۹). بدین طریق به شبهه تثلیث پاسخ نقضی ارائه کردند. امام در پاسخ به شبهه حسین بن خالد درباره انتساب شیعیان به انگاره جبر و تشبیه به جهت وجود روایاتی از امامان پیشین، از روش نقضی بهره گرفتند. ایشان با استفاده از قیاس اولویت، شمار فراوان احادیث نبوی در این باره را یادآور شدند و لازمه باور به جبر و تشبیه به خاطر وجود روایاتی جعلی از اهل بیت را باورمندی به تبلیغ جبر و تشبیه از سوی پیامبر اسلام دانستند و از آنجا که چنین انگاره‌ای قابل انتساب به پیامبر نیست، پس به اهل بیت نیز نباید نسبت داد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۱۷). همچنین با وجود بیان این پاسخ نقضی، امام علیه السلام عقیده صحیح امامیه در این باره را تبیین فرمودند.

امام رضا علیه السلام برای درهم شکستن انگاره تثلیث در گفت‌وگو با جاثلیق، لازمه اعتقاد به الوهیت مسیح علیه السلام را انکار نماز و روزه او و لازمه باور به نماز و روزه وی را یگانگی پروردگار دانست (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۸). امام در مناظره با یحیی بن ضحاک، بر اساس عبارتهای «وَلِيَّتِكُمْ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ»، «إِنَّ لِي شَيْطَانًا يَغْتَرِبُنِي» و «كَانَتْ بَيْعَتُهُ فَلْتَةً فَمَنْ عَادَ لِمِثْلِهَا فَأَقْتُلُوهُ» (ابن کثیر، بی تا، ج ۵: ۲۴۸؛ صنعانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱: ۳۳۶؛ بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۲۵۰۵) از دو خلیفه اول، لازمه پذیرش درستی این انگاره‌ها را اعتراف به عدم شایستگی آن دو برای خلافت دانسته و نیز تکذیب این عبارات را ملازم با دروغگو بودن ایشان و سقوط عدالت‌شان بیان کرده‌اند. نتیجه هر دو رویکرد، استحقاق نداشتن ایشان برای خلافت و اثبات برتری علی علیه السلام بر آن‌هاست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۲۸۰).

امام علیه السلام در گفت‌وگو با ابوقهره، لازمهٔ باورمندی به آموزه‌های حضرت عیسی علیه السلام را پذیرش نبوت پیامبر اسلام دانست (عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۵۱۲) و از طریق به کار بردن قیاس ذوحدین به شبههٔ او دربارهٔ چرایی پیوند میان باور به پیامبری مسیح و عدم باور مسلمین به کیش مسیحی پاسخ گفت. استفادهٔ امام از قیاس اولویت در رد انگارهٔ زنده بودن امام حسین علیه السلام به دلیل شهادت افراد بهتر از او یعنی پیامبر اسلام و علی علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۳) نیز نمونه‌ای از یادکرد بایسته‌های شبهه است.

۴-۸. استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب

موارد مورد قبول مخاطب، معلوماتی است که وی بدون نیاز به استدلال جدید، آن‌ها را بپذیرد؛ گرچه این گونه از پاسخگویی لزوماً به معنای پذیرش آن معلومات در سپهر شناختی پاسخگو نیست، ولی جواب نقضی برای خاموش کردن شبهه‌گر به‌شمار می‌آید. برخی از دانشوران عامه، از این روش با نام‌های «تنزل در مقام گفت‌وگو» و «معلق کردن کلام» یاد کرده‌اند (الشحود، ۱۴۲۹ق: ۲۸). این روش برای فروریختن دستگاه استدلالی شبهه‌سازان بسیار مفید است. از دیگر سو، پاسخ‌های نقض، زمینه را برای تبیین آموزه‌های صحیح، استوار می‌سازد. آغازیدن کلام از قضایای بدیهی و وجدانی و مبانی مشترک میان دو سوی شبهه، زمینه‌ساز گفت‌وگو و تبیین استوار پاسخ‌های مجیب خواهد بود.

برخی گونه‌های این روش در مناظرات امام هشتم علیه السلام از این قرار است:

۴-۸-۱. استناد به جدل

یکی از شیوه‌های رایج گفت‌وگوهای شناختی، احتجاج جدلی است. در جدل، اصولی به کار می‌رود که طرف مقابل کاملاً آن‌ها را قبول دارد. جدال احسن دارای صورتی همگون با برهان و استدلال منطقی است. برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله در احتجاج خود با مسیحیان نجران که تولد شگفت‌انگیز حضرت عیسی علیه السلام را دلیلی بر الوهیت او می‌دانستند، از اصل مورد پذیرش آن‌ها، یعنی مخلوق بودن حضرت آدم علیه السلام بدون نقش پدر و مادر، استفاده و

استدلال آنان را ابطال کردند (آل عمران، ۵۹). نمونه‌ای از جدال احسن در مناظرات رضوی، گفت‌وگوی حضرت با یکی از معتقدان به دوگانه‌پرستی است. امام در پاسخ او فرمود: «همین که می‌گویی پروردگار دوتا است دلیل بر یکتایی اوست. چون تو خدای دوم را بدون اثبات خدای نخست نمی‌توانی ثابت کنی در حالی که وجود بیش از یک خدا هم قابل اثبات نیست (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۷۸).

۴-۸-۲. استناد به کتاب‌های مقدس پیشین

بر اساس آموزه‌های کلامی شیعه، توانمندی علمی و آگاهی از همه منابع شناختی حصولی یکی از بایسته‌های پیشوای معصوم است (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۱۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵: ۱۶۵)، تا با بهره‌گیری از آن‌ها به راهبری فردی و اجتماعی پردازد و بتواند از حریم آموزه‌های دین و مذهب دفاع کند. امام رضا (علیه السلام) یکی از شالوده‌های انصاف را مناظره بر مبنای نظام معرفتی، کتاب مورد قبول، پیامبر و شریعت پذیرفته شده طرف دیگر مناظره می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۸۱). آگاهی امام رضا (علیه السلام) از کتاب‌های آسمانی و استناد به آن‌ها در مناظرات خویش، در زدودن شبهات پیروان سایر ادیان، نمونه‌ای از روش‌های پاسخگویی ارزیابی می‌شود. این استناد به کتب آسمانی گذشته به معنای پذیرش وحیانی بودن تمامی آموزه‌های موجود در نسخه‌های آن عصر نیست و تنها نمونه‌ای از پاسخ نقضی استوار بر نظام معرفتی مخاطب شمرده می‌شود. امام در مناظره با رأس الجالوت برای اثبات نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، او را تنها به پذیرش آنچه ایشان از کتاب‌های تورات، انجیل، زبور و صحف بدان استناد می‌کند، دعوت کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۶۴). همچنین در مناظره با جاثلیق فرمود برای اثبات حقانیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، تنها از انجیل دلیل خواهد آورد (همان: ۱۵۶).

استناد امام هشتم به عهدین (کتاب مقدس، سفر خروج، ۸: ۷-۱۲؛ انجیل متی، ۱۸: ۲۳-۹) برای اثبات معجزات حضرت موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) در مناظره با بزرگان یهودی و مسیحی (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۱۴)، پاسخی بر شبهات پیروان هر یک از آن ادیان

پیرامون حقایق دین دیگر شمرده می‌شود. گزارش‌های مربوط به زنده شدن مردگان و شفا یافتن از انواع بیماری‌ها به دست پیامبرانی همچون یَسَع (علیه السلام)، حزقیل (علیه السلام)، ایلیا (علیه السلام) و نیز نماز خواندن و روزه گرفتن حضرت عیسی (علیه السلام) از این موارد است که امام رضا (علیه السلام) برای اثبات نادرستی اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام) به آن‌ها استناد جستند (همان: ۱۹۹-۲۰۸).

۴-۸-۳. شاهد قرار دادن دانشوران مورد قبول خصم

گواه گرفتن دانشوران مقبول نزد شبهه‌گر، بهره‌گیری از میانجی برای انتقال آموزه‌های حقیقی است. برای نمونه امام رضا (علیه السلام) هنگام مناظره با جاثلیق مسیحی، نسطاس رومی و رأس الجالوت کسانی را که به کتب آسمانی گذشته آگاه بودند، به عنوان شاهد گرفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۴). آن حضرت با اقرار گرفتن از جاثلیق دربارهٔ درست‌گفتاری نگارندگان انجیل‌های چهارگانه بر گفته‌های متی، مرقس و لوقا بروی‌تگی‌های انسانی عیسی (علیه السلام) برای زدودن شبهه الوهیت وی استناد کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۱۱۰-۱۱۲). فرمودن عبارت «اِقْتَصِرُوا عَلٰی وَاٰحِدٍ مِنْكُمْ يَلْزِمُكُمْ مَا يَلْزِمُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۳۱) نیز در ابتدای مناظره با گروهی از دانشوران، از گزینش شخصی مورد قبول برای هم‌آوردی حکایت دارد که در نهایت یحیی بن ضحاک سمرقندی برگزیده شد.

۴-۹. استناد به قرآن

قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت نمود آشکاری یافته است. مجموعه روایات تفسیری حضرت، گویای بهره‌گیری امام از این منبع ارزشمند الهی است. اخلاق و آداب حضرت نیز آیات اخلاقی قرآن را نشان می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) نیز تطابق گفتار امامان با قرآن را ملاکی برای انتساب آن سخنان به معصومین دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۵۰). امام رضا (علیه السلام) در پاسخ نامهٔ عبدالله بن جنذب، یکی از شالوده‌های پاسخگویی اهل بیت را بهره‌گیری از قرآن بیان می‌کند (همان، ج ۲۳: ۲۹۷). ایشان با استناد به

قرآن (نحل، ۴۳؛ توبه، ۱۲۲) وجوب مراجعه مردم به اهل بیت و آگاهان در نادانسته‌های خویش و وظیفه پاسخگویی ایشان را ثابت می‌نمایند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۱).

استناد به اصول کلی شریعت نیز نمونه‌ای از روش‌های پاسخگویی به شبهات است. محوری بودن نقش این شالوده‌ها، باور نداشتن به آن‌ها را تبدیل به عاملی برای خروج فرد از جرگه دینداران کرده است. این اصول برآمده از قرآن و سنت نبوی است. باور به اصول توحید، نبوت و معاد در حوزه عقاید و نیز اعتقاد به وجوب نماز، روزه، حج، زکات و... در حوزه احکام نمونه‌هایی از این ضروریات دینی شمرده می‌شود. برای نمونه، امام علیه السلام باورمندی به رؤیت پروردگار را مخالف با اصول اسلامی دانستند (همان، ج ۱: ۳۷۳) و نیز در پاسخ شبهه ابان بن محمد درباره ایمان حضرت ابوطالب به آیه ۱۱۵ سوره نساء استناد کرده (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۴: ۶۸) و چنین شبهاتی را مخالف با مسیر ایمان و اصول شریعت دانسته‌اند. مقصود از استناد به قرآن، بهره‌گیری از قرآن در پاسخ به شبهات است که از طریق تبیین صحیح واژگان قرآنی، تفسیر متناسب متشابهات کلام وحی، استوار کردن بدنه پاسخ بر حقایق قرآنی و بیان مصادیق خارجی و مفاهیم قرآنی رخ می‌نماید.

۴-۹-۱. بیان مصادیق

امام رضا علیه السلام برای آشکارسازی برخی مفاهیم و موضوعات قرآنی، نمونه‌های کامل آن‌ها را معرفی کردند تا سبب زدودن شبهات موضوعی شوند. درود فرستادن و پیروی از اهل بیت (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۴: ۳۵۶) به عنوان یکی از مصادیق آیه «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (أعلی، ۱۵) نمونه‌ای از این موارد است. همچنین در پاسخ به گره ذهنی حسن بن محبوب درباره آیه «وَ الَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا» (نساء، ۳۳) آن حضرت، اهل بیت را مصداق کسانی دانستند که با آن‌ها پیمان بسته شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۰) ایشان در پاسخ به شبهه‌ای درباره برتری اهل بیت نسبت به سایر مردم و دلایل برگزیده بودن عترت، به ۱۲ آیه از قرآن مجید استناد فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۲۹-۲۴۰). تشبیه شرایط امام هشتم علیه السلام به داستان

قرآنی وزارت حضرت یوسف (علیه السلام) در برابر پادشاه مصر برای سامان دادن امور (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۸۵) نیز سبب زدودن شبهات درباره پذیرش ولایت عهدی شد. امام رضا (علیه السلام) در نامه خود به عبدالله بن جنذب، میراث‌بری امامان از پیامبران اولوالعزم را مصداقی از آیه ۱۳ سوره شوری دانسته و نیز یکی از نمونه‌های شرک در آیه «كَبُرَ عَلَي الْمُشْرِكِينَ» را بی توجهی به ولایت علی (علیه السلام) معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۵۶) و نیز وجود اهل بیت را مصداق هدایتگری پروردگار در آیه ۳۵ سوره نور دانسته‌اند (همان، ج ۱: ۲۸۲).

۴-۹-۲. تبیین واژگان قرآنی

تبیین و تشریح هر گزاره‌ای در گرو آشکار شدن شالوده‌ها و بخش‌های آن، شناخت استوار موضوع و محمول و از همه مهم‌تر واژگان آن است. یکی از عوامل برقراری ارتباط اثربخش میان شبهه‌گر و مجیب، تبیین و فهم دقیق واژگان موضوع محل بحث در حوزه لغت و اصطلاح است. استفاده از واژگان مبهم، چندپهلوی و غیرمتعیّن در مفهومی خاص، یکی از روش‌های مغالطه‌گری است. این روش، کلام را بدون توان راستی‌آزمایی در پرده‌ای از ابهام قرار می‌دهد. استفاده از اشتراک لفظی، ابهام ساختاری، ترکیب مفصل و تفصیل مرگب گونه‌هایی از این روش شبهه‌گری است (خندان، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۸). شبهه‌گری از طریق مفردات قرآنی با شناخت ریشه، هیئت و کاربست واژگان قرآنی برطرف می‌شود؛ چراکه آگاهی از دانش فقه اللغه، یکی از بنیادی‌ترین بایسته‌های فهم صحیح قرآن است.

امام رضا (علیه السلام) با کاربست این روش، نه تنها آموزه‌های شیعی در سپهر آن واژه را تبیین می‌کردند، بلکه به شکلی هم‌زمان، نادرستی تلقی شبهه‌گر از موضوع و واژگان را می‌پالودند. برای نمونه، در پاسخ به شبهه حسن بن عباس معروفی درباره فرق میان نبوت و امامت، به تبیین مفاهیم رسول، نبی و امام پرداختند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۵). ایشان مراد از «بید» را در آیه «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» (ص، ۷۵)، قدرت و نیروی الهی دانسته و از این راه به شبهه آیات دال بر تجسیم پروردگار پاسخ گفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۱۰). همچنین در پاسخ به پرسش ابراهیم بن ابی محمود

در باره چيستی مفهوم ترک شدن مردم توسط پروردگار در آیه «وَتَرْكُهُمْ فِي ظُلْمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره، ۱۷)، می‌فرمایند پروردگار با صفات انسانی وصف نمی‌شود و واژه ترک در این آیه به معنای باز داشته شدن لطف و کمک الهی از پیروان سرسخت کفر و گمراهی و نیز رها کردن ایشان به حال خویش است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ۱۱). این همانی واژه ختم با طبع در آیه «طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ» (نساء، ۱۵۵)، نمونه‌ای از این تبیین‌گری امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به شبهات است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۴۱۳). امام در پاسخ هشام مشرقی، آیه «قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ» (انعام، ۱۹) را دلیلی بر توصیف پروردگار با عبارت شیء بودن برشمرده و تفسیر درست آن را چیزی غیرهمسان با سایر اشیاء دانسته است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۵۶). آگاهی دادن از بایسته‌های زبان عربی نیز از ارکان پاسخ‌های عالم آل محمد به‌شمار می‌رود. برای نمونه، شخصی به امام عرض کرد که یکی از شیعیان در بغداد می‌گفت: «خیر الناس بعد رسول الله ﷺ ابابکر». امام برای زدودن شبهه او فرمود: آن شخص توریه کرده؛ چراکه گفته ابابکر نه ابوبکر؛ یعنی او را منادا قرار داده نه اینکه اقرار به برتری او کند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۴۴۰).

۴-۹-۳. تفسیر صحیح آیات قرآن

یکی از روش‌های پاسخگویی به شبهات، تبیین متناسب آموزه‌های قرآنی و زدودن پیچیدگی از آیات متشابه است. شبهه شخصی درباره دیدار پروردگار در دنیا با تکیه بر آیات دال بر رؤیت الهی، نمونه‌ای از فهم نادرست متشابهات بود که امام مراد از این آیات را همان دیدار با پیامبر تفسیر نمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ۱۱۴). تفسیر صحیح آیه «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (بقره، ۵۵) توسط امام رضا (علیه السلام) و مرتبط دانستن ضمیر به بنی اسرائیل برای دیدار با پروردگار در این آیه سبب زدودن انگاره انتساب این درخواست به موسی (علیه السلام) شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ۱۱۵).

برداشت نادرست از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) سبب ایجاد ذهنیت شهید نشدن امام حسین (علیه السلام) شده بود که امام رضا (علیه السلام) این شبهه

را با تفسیر صحیح آیه در معنای قرار ندادن حجت و برهان برای کافران در کشتن پیامبران، پاسخ گفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۳).

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به شبهه و اسپردن همه امور عالم به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، با استناد به آیات «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد، ۱۶)، «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (روم، ۴۰)، تفویض را تنها به معنای سپردن امر دین به پیامبر دانسته و عرصه‌های خلقت و روزی رسانی را منحصر به پروردگار بیان می‌کند (همان، ج ۲: ۲۰۲). تفسیر صفات پروردگار مانند مشیت الهی (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۱۴)، پاسخ به شبهه چگونگی سازگاری عصمت با آیات در بردارنده گناه پیامبران (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۲۲) و تفسیر صحیح آیات با توجه به تخصصات و علم به آن‌ها (همان: ۱۱۶)، همگی نمونه‌هایی از تفسیر استوار آیات الهی و پرده برگرفتن از برخی آیات متشابه به شمار می‌رود.

۴-۹-۴. استفاده از آیات برای استوارسازی گفتار

این روش تنها در مقابل مخاطبان مسلمان یا مخاطبان غیرمسلمان شبهه‌گر به قرآن به کار می‌رفته است. برای نمونه امام رضا (علیه السلام) پاسخ خویش به شبهه سلیمان مروزی درباره مخالفت آموزه «بداء» با تقدیر الهی را بر پنج آیه از قرآن کریم (روم، ۱۱؛ فاطر، ۱ و ۱۱؛ رعد، ۴۱؛ توبه، ۱۰۶) استوار ساخت (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۰۱). نمونه‌هایی از کاربست این روش برای پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی، از این قرار است:

اهمیت گزینش پیشوا با استناد به آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (نساء، ۷۱) برای زدودن شبهه نیاز به امام در هر دوره‌ای (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۳)، ناروایی پیشوایی ناهلان بر اساس آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴) در پاسخ به شبهه حقانیت سایر پیشوایان (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۴۹۰)، اثبات برتری امامان اهل بیت در مقابل دیگران با استناد به آیه «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس، ۳۵) در پاسخ به شبهه وجود ویژگی‌های پیشوا در سایر مردم (ابن

بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۲۱)، استناد به آیه «إِنَّمَا يُفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ» (نحل، ۱۰۵) در ابطال انگاره تجسیم (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۹: ۲۶۲) و آیه «وَيَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (طه، ۱۰۹) در ابطال رؤیت پروردگار (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۲۴۱)، تبیین مقدمات سخن بر مبنای ۸ آیه قرآنی و نتیجه‌گیری درباره ناتوانی مردم برای گزینش پیشوای معصوم (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۴۹۱).

۱۰-۴. بهره‌گیری از سنت

استوار ساختن استدلال و برهان بر سنت معصومین، یکی از سنجه‌های حقیقت‌بینی کلام است. بهره‌گیری از این روش، برای پرسشگرانی باورمند به آیین اسلام بسیار تاثیرگذار است.

۱۰-۱-۱. استناد به سنت نبوی

از آنجا که در امور دینی، پیامبر اسلام ﷺ مرجعی بنیادی شمرده می‌شود، آگاهی از گفتار، رفتار و تاییدات ایشان بر امری، راهنمای کشف آموزه‌های دین خواهد بود. شیخ طوسی نیز یکی از سنجه‌های استواری کلام را مطابقت آن با سنت قطعی دانسته و مخالفت با آن را نشانگر نادرستی حدیث می‌داند (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۵). امامان نیز برای ایجاد مقبولیت، سخن خویش را به سنت نبوی مستند می‌ساختند. برای نمونه، امام رضا علیه السلام علت ایجاد شبهه عروج امام حسین علیه السلام و کشته شدن حنظله بن اسعد شامی در کربلا به دلیل تشبیه به ایشان را، تکذیب فرمایش‌های نبوی درباره شهادت امام حسین می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۳). ایشان به دلیل تفسیر نادرست شبهه‌گران از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، پاسخ خود را بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرمایش‌های ایشان درباره شهادت حتمی امام حسین علیه السلام استوار ساخت. استناد به فرمایش نبوی در زدودن شبهه گسترده مقام امامان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۰) و نیز

استوارسازی سخن بر روایت نبوی «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۳۵۰) برای زدودن شبهه چگونگی آگاهی امامان از امور پوشیده، نمونه‌هایی از پاسخ‌های امام هشتم (علیه السلام) در مقابل مخاطبان مسلمان بود.

افزون بر این، ایشان درباره رخ نمودن پدیده وضع و جعل در روایات هشدارهایی داشتند. برای نمونه، اخبار دال بر انگاره جبر و تشبیه را بر ساخته غالبان دانسته و دلیل این رفتار را نشناختن استوار بزرگی پروردگار بر اساس فرمایش‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بیان کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶: ۲۶۳).

۴-۱۰-۲. استناد به فرمایش امامان قبلی

امام رضا (علیه السلام) به همراه داشتن میراث ویژه امامان پیشین را نشانه‌ای در زدودن شبهات افراد درباره یافتن امام بعدی در میان فرزندان امام قبلی می‌داند (کشکی، ۱۳۶۳ق، ج ۲: ۷۲۵). همچنین تکذیب اهل بیت را تکذیب پروردگار و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سخن ایشان را سخن خداوند و پیامبرش می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۵۳). از این رو، در تبیین آموزه‌های شیعی و پاسخ به گره‌های فکری افراد بارها به سنت امامان پیشین استناد کرده است. برای نمونه، حضرت در پاسخ به سوال احمد بن محمد بن زینبی درباره جواز برگزاری مراسم سوگواری برای امام کاظم (علیه السلام) به سبب انگاره حیات و غیبت ایشان و نیز شبهات مربوط به امامت امام هشتم، به فرمایشی از امام باقر (علیه السلام) درباره ویژگی شیعیان حقیقی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها، باورمندی به امامت همگی اهل بیت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۲۶۴). همچنین در پاسخ به شبهه کمتر بودن شیعیان در مقابل عامه در نامه محمد بن احمد بن زینبی، با استناد به سخنی از امام باقر (علیه السلام) علت این امر را نبود توانایی کافی همه مردم در فهم آموزه‌های امامت و اراده الهی بر این امر می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۵۲). تبیین فقره ابتدایی حدیث شریف سلسله الذهب (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۵) در محیط سنی نشین نیشابور آن روزگار، نمونه‌ای از استناد به فرمایش معصومان پیشین است. فراز «أنا من شروطها...» در این حدیث، در پاسخ به شبهه ذهنی

مردمان آن سامان درباره‌ی وجوب پذیرش ولایت آن حضرت برای پیروی از مکتب توحید است. به‌کارگیری فرمایش امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به شبهات مربوط به نشانه‌های جانشین هر امام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۲۸۸) و نفی انتساب انگاره‌ی بندگی کردن مردم برای اهل بیت به امامان گذشته (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۴۵۹) نمونه‌هایی از استواری سخن امام رضا (علیه‌السلام) بر فرمایش امامان پیشین در پاسخ به شبهات است. استناد به فرمایش علوی «يَهْلِكُ فِيَّ أَثْنَانٍ وَلَا ذَنْبَ لِي مُجِبِّ مُفْرِطٍ وَ مُبْغِضِّ مُفْرِطٍ وَإِنَّا لَنَبْرَأُ» (عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۶۹۲) در اثبات بی‌زاری امامان از گزافه‌گویی برخی پیروان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۱) نمونه‌ای دیگر از کاربست این روش است.

۴-۱۱. استناد به تاریخ

یکی از سنجه‌های اعتبارسنجی گزاره‌های دینی، پدیدار کردن هماهنگی آن‌ها با رویدادهای تاریخ قطعی است. تاریخ در لغت به معنای شناساندن وقت (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۴) و در اصطلاح به معنای آشنایی با اوضاع و احوال جهان به همراه آگاهی از زمان وقوع رخدادها و موضوع آن احوال گذشتگان است. داده‌های تاریخی خود باید از آزمون نقد تاریخی سرفراز بیرون آید تا سزاوار معیار قرار گرفتن برای سنجش حدیث باشد. امام در پاسخ به شبهه‌گری عملی یکی از وکیلان امام کاظم (علیه‌السلام) در مصر به نام عثمان بن عیسی رؤاسی با موضوع شهید نشدن امام موسی کاظم (علیه‌السلام)، به بررسی سخنان مردم عراق و شواهد تاریخی و اجتماعی درباره‌ی شهادت پدرشان استناد فرمودند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۵۳). نیز شبهه‌ی داوود بن قاسم درباره‌ی هم‌نشینی با بستگان منحرف از تشیع، با تشبیه این موضوع به ماجرای تاریخی نزول عذاب بر یکی از پیروان راستین حضرت موسی (علیه‌السلام) در هنگامه‌ی هم‌نشینی با پدر گمراهش، پاسخ گفته شد (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۳۷۵). همچنین پاسخ شبهات یهودیان درباره‌ی نبوت حضرت عیسی (علیه‌السلام) و پیامبران پس از او را مستند به گزاره‌های تاریخی دال بر رخ نمودن اعجاز به دست ایشان نمود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۰۳).

نتیجه‌گیری

پاسخگویی به شبهات، نیازمند آگاهی از بایسته‌ها و روش‌های اخلاقی و علمی است. از آنجا که در عصر امام رضا (علیه‌السلام) شبهات گوناگونی بر اسلام و تشیع وارد بود، مطالعه سیره امام هشتم شیعیان در شناخت این روش‌ها بسیار مؤثر خواهد بود. از سیره رضوی چنین بر می‌آید که امام در پاسخگویی به گونه‌های مختلف شبهه و نیز شبهه‌گران مذاهب و مکاتب گوناگون، روش‌های ویژه‌ای را پی می‌گرفتند. چرا که مواد دستگاه شبهه‌سازی و استدلال برای تقریر آن در همه شبهات یکسان نیست. به همین دلیل، رویکرد امام (علیه‌السلام) در پاسخگویی به شبهاتی با ماده اولیه نقلی، متفاوت از پاسخ‌های متناسب با شبهات برآمده از مواد اولیه عقلی قلمداد می‌شود. مواردی مانند توجه به لازمه‌های ماده استدلال، بهره‌گیری از برهان، ابطال قیاس، محسوس‌سازی معقولات در حوزه شبهات برآمده از مواد عقلانی قابل ارزیابی است. مواردی چون بهره‌گیری از قرآن، سنت، تاریخ و آموزه‌های تحریف نشده عهدین در پاسخ به شبهات برآمده از گزاره‌های نقلی متناسب می‌نماید. همچنین امام رضا (علیه‌السلام) به روش‌های شبهه‌افکنی مانند تحریف عقاید، کج‌فهمی، نقل قول ناقص، انواع مغالطات و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی، توجه داشته و برای پاسخ به هرکدام از این روش‌ها رویکردی متناسب برای درهم شکستن استدلال شبهه‌گران پیش گرفتند. تبیین کامل و تفسیر گزاره‌های نقلی، رد حصرگرایی شناختی، توجه به خاستگاه‌های ایجاد شبهه و انگیزه‌های شبهه‌گری و نیز استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب، مواردی است که به جنبه روشی پاسخ به شبهات توجه دارد. مجموعه این روش‌ها در ۱۱ رده اصلی سامان‌دهی شده که در پاره‌ای از موارد، بر ترکیبی از براهین عقلی و نقلی استوار است. افزون بر استفاده از دلایل عقلی و نقلی، امام (علیه‌السلام) با توجه به علم غیب خویش در پاره‌ای شبهات مکنون در ضمیر افراد، سعی در بیدار ساختن فطرت شبهه‌گر داشتند.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید. ترجمهٔ ناصر مکارم شیرازی.
- آقا نوری، علی. (۱۳۸۷). امامان شیعه و وحدت اسلامی. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (بی تا). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (بی تا). البدایه و النهایه. بیروت: مکتبه المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). مکاتیب الائمة. قم: دارالحديث.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷ق). الجامع الصحیح المختصر. بیروت: دار ابن کثیر.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۴۲). رجال البرقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- _____ (۱۳۷۶). الفصول المهمه فی اصول الائمة. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- حلّی، حسن بن علی. (۱۳۴۲). الرجال (لابن داود). تهران: دانشگاه تهران.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- خندان، علی اصغر. (۱۳۸۴). مغالطات. قم: بوستان کتاب.
- دمیری، محمد بن موسی. (۱۴۲۴ق). حیاة الحیوان الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الدمینی، مسفر عزم الله. (۱۹۸۴). مقاییس تقد متون السنه. ریاض: بی نا.
- زمزمی، یحیی. (۱۴۱۶ق). الحوار آداب و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه. مکه: دارالتربیه و التراث.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۳ق). تهذیب الاصول. تقریر اباحت امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شحود، علی بن نایف. (۱۴۲۹ق). الخلاصه فی اصول الحوار و ادب الاختلاف. بی جا. بی نا.
- صالح، صبحی. (۱۳۸۶). نهج البلاغه. تهران: راه علم.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (۱۴۰۳ق). المصنّف. بیروت: المکتب الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). العده فی اصول الفقه. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- عارفی شیرداغی، محمد اسحاق. (۱۳۹۸). روش‌شناسی معارف دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- علوی، سهراب. (۱۳۷۹). امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان. قم: مسجد مقدس جمکران.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعة العلمیه.

- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). منطق ۲. تہران: دانشگاه پیام نور.
- فراہیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: ہجرت.
- کتاب مقدس (عہد عتیق و عہد جدید). ترجمہ فاضلخان ہمدانی. ویلیام گلن. تہران: اساطیر.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳ق). اختیار معرفہ الرجال. قم: آل البیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۵ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
- لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۹۳). گوہر مراد. قربانی، زین العابدین، سایہ.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدرضایی، محمد. (۱۳۸۳). الھیات فلسفی. قم: بوستان کتاب.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفہ حجج اللہ علی العباد. قم: مؤسسہ آل البیت.
- میناگر، غلامرضا. (۱۳۹۸). روش شناسی صدر المتألہین. قم: پژوهشگاہ فرہنگ و اندیشہ اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۷۳). رجال النجاشی. قم: مؤسسہ النشر الاسلامی.